

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرين رمضانعلی
Tel: 00491757377539
E-mail: pramzanali@yahoo.de

ایسکرا

۳۳۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۶ مهر ۱۳۸۵، ۱۸ اکتبر ۲۰۰۶

سر دبیر: عبدال کلپریان abdolgolparian@yahoo.com

گزارشی از روز جهانی کودک در سنندج

آرام بهرامی



پخش شده بود که خبر از کارنوال قطار شادی به مناسبت روز جهانی کودک و آدرس محل پارک کودک اعلام میداد. در شهر سنندج امری کاملاً طبیعی شده است این روز را برگزار کنند و هر بار مدافعین حقوق کودک تلاش می کنند هر چند برای چند ساعتی دنیایی به دور از تبعیض و نابرابری دنیایی بدور از فقر و محرومیت را برای کودکان فراهم

به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران. گزارش زیر اتفاقاتی بود که در روزهای جمعه و یکشنبه به مناسبت روز جهانی کودک در شهر سنندج شاهد آن بودم. به امید آنکه بتوانم احساسم و مشاهداتم را به دیگران منتقل کنم. روز پنجشنبه ۱۳ مهر ماه بود در خیابان ششم بهمن تراکتهای

صفحه ۲

گزارش کوتاهی از وضعیت کارخانه نساجی شاهو در سنندج

میباشد. هر ساله به واسطه بازسازی و رفع نواقص ماشین الات، وامهای زیادی را میگرفتند اما مدیران این کارخانه بیشتر آن را در جهت امورات شخصی مصرف میکردند. زمانی که هر کارگری به سوء مدیریت اعتراض میکرد توسط کمیته انضباطی او را تحت فشار قرار میدادند و در بسیاری از موارد او را اخراج میکردند.

در سال ۷۹ مسئله تعدیل نیرو پیش آمد و تعداد ۷۵ نفر از ما را به اسم مازاد بر نیاز به شیوه های گوناگون تعدیل کردند. همین که تسویه حساب انجام گرفت مجدداً تعدادی نیروی جدید را به صورت

صفحه ۳



کارخانه شاهو یکی از کارخانه های استان کردستان است که در شهر سنندج واقع شده است. این کارخانه در حدود ۲۵ تا ۲۷ سال سابقه کار دارد و ۳۵۰ نفر کارگر در آن مشغول به کار بودند. کار این

رشد جنبش کارگری، اجتماعی و رسوایی حکومت!



اسماعیل مولودی

کارگران در مبارزه با جمهوری اسلامی دین را هدف قرار می دهند و خوش چهره (مسئول بخش اقتصادی مجلس شورای اسلامی) می گوید: جوانان ناکارآمدی دولت را به پای دین می نویسند.

صفحه ۴

مبارزات موجود در جامعه در کنار و هماهنگ با مبارزه کارگران از جمله مبارزه کارگران شرکت واحد و انعکاس داخلی و بین المللی آن را کمتر کسی است در دنیا شاهدش نباشد. حمایت اتحادیه های بین المللی از مبارزه کارگران واحد یکی از درخشان ترین صحنه های همبستگی بین کارگران جهان با کارگران ایران و به ویژه با کارگران و کارکنان شرکت

واحد بود. که به ابتکار حزب کمونیست کارگری ایران و پشتیبانی هزاران انسان آزاده و کارگر مبارز ابعاد جهانی گرفت. با اعتراضات اخیر جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی مثل دفاع از حقوق کودکان و... تقابل سران رژیم علیه همدیگر را شدت بخشیده است. مقامات دولتی و مسئولین رژیم را بیش از پیش نگران ساخته، بروجدی می گوید:

اخباری از سنندج، کرمانشاه، اسلام آباد

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گزارشی از روز جهانی کودک ...

از صفحه ۱

کند تا تلخی دردها را فراموش کنند هر چند برای چند ساعت باشد. وقتی به منزل رسیدم اولین کاری که کردم مژده اینکده فردا پسر را می برم جشن و کارنوال و این را به او مژده دادم تا ساعت موعود پسر من را دیوانه کرد از بس پرسید کی می رویم؟ روز جمعه، از صبح زود چون روز تعطیلی هم بود دیگر طاقتم تاق شد از بس آمد و گفت کی می رویم قطار شادی؟ پسر حاضر نبود بیرون برود با دوستانش بازی کند و پسر من شده بود مبلغ قطار شادی در محله هر کدام از دوستانش می آمدند که او را با خود به کوچه ببرند و بازی کنند از ترس اینکده مبادا فقط يك قول باشد. می گفت نه من می روم قطار شادی شما هم بیایید. دنیای کودکان برایم جالب تر شد. چندین پدر و مادر دیگر سراغ این کارنوال را از من پرسیدند. من هم آدرس را دادم به این خانواده ها و آخر سر قرار شد چند خانواده با هم به محل برویم.

ساعت سه بعد از ظهر بود راه افتادیم و رفتیم. وقتی به محل رسیدیم هنوز همه چیز آماده نبود ولی تعداد زیادی از کودکان همراه خانواده ها حضور داشتند. فرصتی شد که با خانواده های دیگر هم آشنا شویم. بزرگترها انگار خجالت می کشیدند جلو تر بروند ابتدا در ماشین نشستیم بعد هر لحظه بر تعداد کودکان اضافه می شد. تعدادی از خانواده ها وسایل پیک نیک را هم با خود آورده بودند. تعداد زیادی جوان هم حضور داشتند. با صدای شادی کودکان که آواز می خواندند، جوانها هم زمزمه می کردند.

تعداد زیادی از خانواده ها هنوز از ماشین پیاده نشده بودند مسئولین و برگزار کنندگان اعلام کرده بودند امروز فقط مال بچه ها است باید سوار قطار شوند. هر بچه ای که می رسید و سوار قطار شادی می شد يك بادکنک می گرفت. گاهی بر سر رنگها این نازنین ها دلخور می شدند و برگزار کنندگان در حالی خود را هم قد شرکت کنندگان می کردند دست بر روی شان این کودکان می انداختند و با حوصله توضیح می دادند و رنگ دلخواه را به آنها

تقدیم میکردند. کودکان احساس دیگری داشتند احساس این را داشتند راستی چه خوب بود اگر همه و همیشه به خواستهای آنها اینطور پاسخ میدادند. قطار می رفت و صدای خنده و شادی کودکان انسان را مجذوب می کرد با یکی از دست اندکاران صحبت کردم به آنها خسته نباشید گفتم با لبخندی که احساس می کردی شادی و شیطنت کودکان در وجودش چنان اثر کرده که دیگر به حرفهای بزرگسالان توجه ندارد، سوالم را دوباره تکرار کردم يك دفعه دیدم تعدادی از بچه ها دویدند و پای او را گرفتند عمو عمو از ما هم بگو عکس بگیرند.

برایم جالب بود عمو با آرامشی تمام و خنده گفت امروز روز شما است. با دستش صف بزرگسالان را نشان داد و گفت امروز همه ما در خدمت شما هستیم چون شما مقدم هستید بر هر چیزی و باید کاری کنیم که هر روز روز شما باشد و شما مقدم باشید. بچه ها همچنان عین رگبار سوال می کردند و دیگر سوال من را انگار اصلا نشنید.

تعدادی از خانمها دسته های از کاغذ در دست داشتند و یکی از این خانمهای جوان و پرشور با همان لبخند و شیطنت خاص کودکان، که شخصا احساس می کردم به همه عین يك ویروس منتقل شده است یکی از این کاغذها را به دست من هم داد و گفت روز یکشنبه با حضور سبزان در "خانه کرد" ما را شاد خواهید کرد. خانه کرد محل مراسم روز یکشنبه به همین مناسبت بود. فرصت سوال نشد چون بطرف دیگران رفت اگر اغراق نکرده باشم غیر از اتوبوسهایی که پارک کرده بودند شاید بیش از ۱۰۰ ماشین شخصی در محوطه پارک شده بود. تعدادی هم بدون ماشین و با پای پیاده آمده بودند. بیشترترین جمعیت بدون ماشین، فکر کنم از مردم همان محله های نزدیک پارک کودک بودند.

نیروی انتظامی و اطلاعاتی و لباس شخصی هم از ترس اینکده مباد اوضاع از دستشان در برود حضور داشتند البته هیچ حرکتی از خود نشان ندادند. راستش را بخواهید من خودم را آماده کرده بودم البته فکر

کنم همه این حالت من را داشتند که اگر بخواهند با یکی حتی فقط حرف بزنند و چیزی بگویند حسابی کتک کاریشان کنیم.

از جانب مردم فضای شاد با صدای موسیقی و ما بین برنامه صدای شادی کودکان و انعکاس صدای خدا نه تنها فضا را در این محیط بلکه فضای شهر را شاد کرده بود. وقتی از شادی میگویم احساس دیگری دارم زیرا شادی در این مملکت ممنوع است. رقص و آواز و

پیدا کرده بود جدا کردم. هنگام برگشت به خانه پسر مدام حرف می زد بدون اینکه يك لحظه سکوت در میان باشد. از این روز و از کارهای که انجام داده و از بازیهای که با بچه ها کرده بود می گفت. وقتی به خانه رسیدم گفت راستی کی دوباره روز من است؟ پسر از شدت شوق و ذوق این روز و خستگی از روزی پر جنب و جوش شاد، خوابی عمیق با لبخندی مسرت بخش بر چشمانش نشست.



عشق جرم است. در این مراسم نفس راحتی کشیدم زیرا در جامعه آدم همیشه در حالت خفگی بسر میبرد. من یکی همیشه احساس میکنم از فرهنگ و قوانین حاکم نفسم بند می آید.

یوآش یوآش داشت برنامه تمام می شد مردم همراه با قطار شادی تعداد زیادی با ماشین و اتوبوس تعدادی پیاده تا میدان کوهنور آمدند. ولی نیروهای ارتجاع و خرافه اجازه ادامه حرکت ندادند. برگزار کنندگان تقاضا کردند که این روز روز کودک است و ما نمیخواهیم هیچ تنششی بوجود بیاید زیرا نمیخواهیم کودکان را نگران کنیم ولی واقعا شاید اگر اشتباه نکرده باشم بیش از فقط ۱۰۰ جوان که پیاده بودند بیشترشان آماده بودند تا نیرو انتظامی را سرچایشان نشانند. اما به تذکر برگزار کنندگان و رعایت حال کودکان توجه کردند و ساکت ماندند.

از میدان کوهنور دیگر فقط صدای بوق زدن ماشین بود که شنیده میشد. از ابتدای مراسم من پسر را ندیدم چون با یکی از این عموها خیلی دوست شده بود و ولکن نبود تا در میدان آزادی که مارشی بزرگی از ماشینها به مناسبت روز کودک راه افتاده بود نگران شدم که بچه گم نشود. من بزور پسر را از عمومی که

بی اراده اشک چشمانم را گرفت و تا دیروقت با همسر در مورد این چند ساعت صحبت کردیم بدون اغراق یاد این فیلمها افتاده بودم که فقط صدای خنده ها را می شنوید. ما نیز خوشحال بودیم بعد از مدتها توانستیم به همت مدافعین حقوق کودک ساعتی با فرزندمان شاد باشیم.

نمی دانستم که مراسم روز یکشنبه چطور خواهد بود دوست نداشتم دیگر کودکم را ببرم می ترسیدم خاطره خوب روز جمعه در ذهنش خراب شود. شماره تماس نبود ولی تقریبا ساعت برگزاری مراسم روز یکشنبه را همه می دانستند. روز یکشنبه در خانه کرد مراسم روز جهانی کودک برگزار می شود آیا برنامه ای برای کودکان هم دارند یا نه در پرس جو بودم. بالاخره فهمیدم در واقع هم برای کودکان برنامه هست و هم برای بزرگسالان هم برنامه برای سخنرانی و غیره .. این بار دیگر به پسر نگفتم. می ترسیدم تا برسیم به ساعت مقرر برای شرکت در مراسم، دوباره آنقدر بگویم کی می رویم کی می رویم و لذت روز جمعه هم هنوز فراموش نشده، بیشتر ما را تحت فشار بگذارد. نزدیک شروع برنامه بود خونه ما دور نبود به محل برگزاری، تقریبا کمی زودتر هم ما حرکت

کردیم. وقتی رسیدیم هنوز همه چیز آماده نبود ولی هیجان را می شد در چشم برگزار کنندگان مشاهده کرد یکی می گفت بلندگو آمده است. دیگری می گفت هنوز محل ایستگاه نقاشی باید آماده شود و وسایل نقاشی را کنار پارچه هایی که به هم دوخته شده است نگذاشتید. تعدادی هم با قدرت هر چه تمام تر داشتند بادکنک را آماده می کردند. چند نفر هم مشغول نوشتن تبریک روز کودک و این روز ماست بر روی بادکنکها بودند.

مراسم شروع شد پسری جوان مجری برنامه بود چنین شروع کرد: "مهمانان و شرکت کنندگان در این مراسم! اجازه بدهید اول صمیمانه ترین سلامها را به کوچکترین شرکت کنندگان اعلام کنم چون کودکان مقدمند و با خیر مقدم به همه شما برنامه را آغاز میکنیم"

سپس ادامه داد و ولیست سخنرانان را اعلام کرد از طرف نهادهایی که که فراخوان داده شده بود هر کدام آمدند پیامهای خود را اعلام کردند و این روز را به کودکان و شرکت کنندگان تبریک گفتند و موقعیت کودکان را ارزیابی کردند. وقتی اعلام شد نماینده کارگران در مورد وضعیت کودکان صحبت می کند همه سرپا گوش می دادند شیت امانی خود را بعنوان نماینده کارگران سنندج و نساچیهای سنندج معرفی کرد و در مورد وضعیت کودکان و کودکان کارگران سخنانی ایراد کرد. سپس مجری برنامه اعلام کرد: امروز روز جهانی کودک است و در شهر سنندج در عرصه ادبیات کودکان شرکت کننده ای داریم که توانسته با نوشتن داستانها و اشعار برای کودکان در این زمینه خدمت بزرگی به کودکان بکند در این روز می خواهیم از زحمات او قدردانی کنیم. سیمین چایچی در جلو جمعیت حاضر شد و مردم با دست زدن از او قدر دانی کردند. تعدادی به احترام سیمین چایچی از جای خود بلند شده بودند. کودکان در مسیر راهی که سیمین می رفت خود را به سن رساندند و شاخه های گل به او دادند و برگزار کنندگان تریبون را در اختیار او گذاشتند و دسته گلی تقدیم او کردند.

مراسم هر چه می رفت بیشتر

از صفحه ۲

گزارشی از روز جهانی کودک . . .



قطعنامه را می خواند صدای رسا و بلندی داشت احساس می کردی صدایش تمام شهر را گرفته است. هزاران نفر در داخل سالنها و داخل حیاط و بیرون ساختمان تکیه به دیوار ایستاده بودند و گوش می دادند. هر کسی که از این محل رد می شد نمی توانست بی تفاوت بگذرد. مردم با احساس رضایت و شادی سخنان سخنرانان را گوش میدادند. بر سر در محل ورود به مراسم قطعنامه بزرگ نویسی شده و به دیوار نصب شده بود و دسته دسته مردم آنرا امضا میکردند.

تعدادی نیروی انتظامی و لباس شخصی هم حضور داشتند و تلاش می کردند که مردم را نگران نکنند و از شرکت آنها جلوگیری کنند و حتی شایعه کرده بودند فلیمبرداری می

مراسم به بچه ها هدیه تقدیم شده بود. پسر من هم نمی خواست از این محل دور شود فرصت را غنیمت دانستم در میان انبوه جمعیت بیرون رفته و به سخنرانها توجهم جلب شده بود. فایق کیخسروی داشت

شلوغ می شد من به سالنی رفتم که کودکان نقاشی می کردند شادی از چشمان کودکان می بارید همه راضی بودند بخصوص همه بچه ها که مشغول نقاشی بودند هدیه گرفته بودند. از طرف برگزار کنندگان این

بخش گفت حضور شما قدردانی از کار ما بود اجازه بدهید این جسارت را بکنم و به شما جواب نه بدم. می دانید نیرو انتظامی و اطلاعات دنبال بهانه هستند که مراسم را به هم بریزند.

در این لحظه بغلش کردم و اشک شادی و حسرت چشماهیم را گرفته بود دیگر نمی توانستم چیزی بگوئیم دوباره گفتم دستتان درد نکند کارتان زیبا بود. من به وجود جوانهایی مثل شما افتخار میکنم. شما امید زندگی بهتر برای بچه های ما هستید.

به امید یک دنیای شاد
برای همه بخصوص کودکان

زنده باد بر گزار کنندگان مراسم
روز جهانی کودک

داریم ضمن تشکر از کلیه کسانی که در طول اعتراضاتمان ما را یاری و همراهی کرده اند از کلیه کارگران هم که دچار چنین وضعیتی هستند تقاضا داریم که با اتحاد و همبستگی طبقاتی یکدیگر را در غلبه بر مشکلات یاری نمایند.

لازم به ذکر است که در ابتدای تعدیل، تعداد ما ۷۵ نفر بود که تعدیل از ما به مرور زمان فوت نموده و تعدادی هم از ما جدا شدند و اکنون تعداد ۲۴ نفر از این جمع همچنان بر خواستها و مطالبات بر حقمان پا فشاری کرده و در حال مبارزه هستیم.

هادی احمدی
کارگر کارخانه شاهو سنج
برگرفته از سایت شورا
www.shora-b.com

کنند و بعد می روند سراغ شرکت کنندگان و آنها را دستگیر می کنند. ولی مردم بی توجه به این حرکات و اقدامات مزبوحانه احساس قدرت میکردند. بدون اغراق بیرون از محل برگزاری مراسم بیش از ۲ هزار نفر که اکثراً جوان بودند در خیابانهای اطراف حضور داشتند و این مراسم را حفاظت و مراقبت می کردند. مراقب بودند که نیروهای مخرب مراسم را به هم نریزند. اکنون دست اندرکاران این مراسم را بیشتر درک می کردم.

نزد یکی از این جوانها که سرگرم سازمان دادن مراسم بود رفته. دست دادم خودم را معرفی کردم و گفتم اگر اجازه بدهید بروم از طرف مردم شهر سنندج از شما قدردانی کنم. با لبخندی مسرت

واگذار شد ولی ما توانستیم تا پایان سال ۸۴ کلیه مطالباتمان را از سهامدار وقت آقای طاهری بگیریم. اما در ابتدای سال ۸۵ مدیر عامل جدید موضوع قرارداد های موقت را مطرح کرد تا ما آنرا امضا کنیم اما ما با آن مخالفت کردیم، بحث ما این بود که بر اساس حکم هیئت حل اختلاف و ماده ۱۵۹ قانون کار به سر کار هایمان برگشته ایم. به همین دلیل دوباره اختلافات شروع شد و اکنون مدت ۶ ماه است که هیچ حقوقی را دریافت نکرده ایم.....

این خلاصه کوچکی از وضعیت و گرفتاری ما تعدادی از کارگران کارخانه نساجی شاهو در سنندج بود. ما به عنوان کسانی که سالیان زیادی متحمل زجرهای زیادی شده و اکنون در وضعیت بد مالی قرار

ما نیز مورد آزار و اذیت روحی و روانی قرار گرفتیم. با ادامه اعتراض و مبارزه خوشبختانه توانستیم در سال ۸۴ از طرف هیئت تشخیص ابقاء به کار بگیریم و این پیروزی بزرگی برای ما بود. دوباره کارفرما به رای صادره اعتراض نمود تا اینکه در تاریخ ۸/۵/۱۳۸۴ این بار از طرف هیئت حل اختلاف به نفع ما رای صادر و دوباره به سر کار باز گشتیم. در مدت اعتراض حدود ۱۰ ماه حقوق دریافت نکردیم و از لحاظ مالی بسیار در مضیقه بودیم و به همین دلیل صندوق کمکهای مالی را راه انداختیم و هر چند کم، اما کمکهای موثری به ما شد و ما آن را دریافت کردیم. در اواخر سال ۸۴ بنا به دلایل نا مشخصی کارخانه شاهو به سهامداران دیگری

گزارش کوتاهی از وضعیت . . .

از صفحه ۱

اول سال ۸۴ رابطه ما با کارخانه قطع شد و این بار ما نیز مصمم تر از گذشته بیگیر قضیه اخراجمان شدیم. ما تصمیم گرفتیم که تا پای جان این مسئله را پیگیری نماییم و اعتراضمان را شفاف تر و روشن اعلام کنیم. دو بار در تهران و در جلوی مجلس شورای اسلامی و وزارت کار تحصن نمودیم و چندین بار نیز در شهر سنندج و در جلوی اداره کار و استانداری جمع شدیم. در بسیاری از این تحصن ها خانواده هایمان ما را همراهی کردند و بارها از طرف مامورین انتظامی و امنیتی و حتی لباس شخصی ها ما و خانواده هایمان مورد اهانت و آزار و اذیت قرار گرفتیم. بارها به ما تهمت آشوبگر زده شد و تعدادی از

قراردادی استخدام نمودند. با شنیدن این مسئله ما کارگران به این وضع اعتراض کردیم و کار به شکایت به اداره کار کشیده شد. مدت ۳۰ ماه بیمه بیکاری گرفتیم و چون مسئله کار در محیط سخت و زیان آور پیش آمد ما توانستیم با کمک بعضی از مسئولین و مدیر عامل وقت کارخانه آقای یوسف بیگی مجدداً به سر کار برگردیم. اما این بار از ما تعهداتی گرفته شد از جمله پرداخت پول بیمه توسط خودمان و چکی به مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰ تومان به عنوان تسویه حساب چهاردرصد زمان باز نشستگی پیش از موعد و یک سری چیزهای دیگر. پس از مدتی کار خانه به بخش خصوصی واگذار شد و دوباره بحث اخراج ما پیش آمد و در

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

639 60 60-3
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariusch safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit# 1672
Institution#504
Acc#6235975

کمک های مالی رسیده
به کمیته گردستان حزب

بهمن خانی ۱۰۰ یورو
یدی ۵۰ یورو
جمشید مدرس ۲۰ یورو
سهیلا شریفی ۲۰ یورو
وریا ۲۰ یورو
پروین کابلی ۵ یورو

به ایسکرا
کمک مالی کنید

تلویزیون کانال جدید را
همزمان در اینترنت ببینید!

www.pamtv.us

تلویزیون انترناسیونال
هر شب ساعت ۲۰:۳۰ تا ۲۰:۳۰
به وقت تهران

مشخصات فنی ماهواره

Satellite: Telstar 12
Frequency: 11494
Symbol Rate: 17469
FEC: 3/4

از صفحه ۱

رشد جنبش کارگری، اجتماعی . . .

اظهارات مقامات ریز و درشت حکومت بر این واقعیت تاکید میکند که وحشت کل رژیم انعکاسی از مبارزات مستقیم کارگران و مردم است. نمونه دیگر حمایت کارگران شاغل در مجتمع های پتروشیمی (پتروشیمی فن آوران - فجر - رازی - بندر امام - ارون) و پتروشیمی مارون) در حمایت از کارگران فرش البرزاست که در پایان با شعار زنده باد اتحاد طبقاتی کارگران و زنده باد آزادی و برابری خواستار محاکمه عاملین این جنایات میشوند. همزمان اطلاعاتی کارگران شرکت واحد را می بینیم که در دفاع از کارگران فرش بابلسر است که همبستگی طبقاتی خود را به نمایش میگذارند.

همچنین روز جمعه چهاردهم مهر در آمفی تئاتر پارک لاله در تهران گردهمایی بزرگی در دفاع از حقوق کودکان برگزار گردید. شرکت حدود دو هزار نفر در این مراسم و

استقبال بی نظیر آنان از حقوق کودکان، گواهی بود بر اراده و خواست شرکت کنندگان در پایان دادن به تبعیض علیه کودکان، کودکان مهاجر و کودکان کار و مقدم شمردن حق کودکان بر نژاد، ملیت، مذهب، موقعیت والدین و برخورداری بودن کودکان از شادی و رفاه. نوع این مراسم باشکوه با جمعیتی بیشتر در سنج و همزمان در سردشت نیز با همین خواسته ها برگزار گردید و همه جامعه را بخود متوجه کرد. برگزاری و گرامی داشت این روز، جدا از ارج نهادن جامعه به حقوق کودک، به طبع آن، رژیم و قوانین ارتجاعی ضد کودک آنها نیز به مصاف می طلبد. این یعنی علیرغم تمام کوشش و تلاش دولتمردان و مزدورانش، علیرغم راه انداختن باندهای سیاه در جامعه، علیرغم کنترل و فشار روز مره به زندگی مردم، مبارزه برای زندگی بهتر ادامه دارد.

این واقعیتهای اجتماعی باعث شده است جمهوری اسلامی اینچنین زیر منگنه حرکت های رادیکال و اعتراضی مردم قرار گیرد. به این خاطر و به دلایل بیشمار دیگری، جمهوری اسلامی نمیتواند راحت قوانین اسلامی را در جامعه پیاده کند. بنا به فاکتورهایی که در بالا اشاره کردم. حتی نمی توانند با وجود بهره گیری از همه ارگان های سرکوبگرشان مردم را مطیع و خاموش نگه دارند.

می گویند وقتی دولت حقوق کارگران را پرداخت نمی کند، کارگران آن را فقط از چشم دولت نمی بینند و مستقیماً دین را مورد تعرض قرار می دهند. نگرانی آقای بروجردی این نیست که چرا حقوق کارگران پرداخت نمی شود بلکه ترس او از این است که اسلام مورد تعرض قرار گرفته و ابعاد اجتماعی بخود گرفته است. همه میدانیم که خواست جدا شدن دین از دولت حتی در میان بخشهایی از رژیم اسلامی جدید نیست. قبل از اینها اشخاص

دیگری در این نقش ظاهر شده اند. حجابیان، سازمانده وزارت اطلاعات و اکبر گنجی یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و موسوی خویینی و اشکوری و دیگر هم پالگی هایشان عبدالکریم سروش. تلاش نمودند خود را سکولار و خواهان جدایی دین از دولت نشان دهند. این تراژدی کمیک را هر کدام در زمانی و مکانی سعی کردند مورد استفاده قرار دهند ولی در مقابل جنبش برابری طلبی نقش بر آب شدند.

در مجلس اسلامی نمایندگان داد میزنند (اگر عدالت را رعایت نکنیم مردم و جوانان میگویند اسلام عدالت خواه نیست و از دولت روی بر میگردانند). قبلاً هم نماینده تبریز گفته بود (بیش از بیست سال است روی جوانان و آموزش و پرورش کار میکنیم ولی نتوانستیم جوانان را جذب اسلام کنیم. این رسوایی است برایمان)

اینها سند رسوایی حکومت جمهوری اسلامی است. اکنون

شاهدیم که همبستگی کارگری دارد به ابزاری جدی در اعتراضات بخشهای مختلف کارگری تبدیل میشود. این حرکت رو به پیش را باید بیشتر و بیشتر گسترش داد. برای گسترش و سراسری کردن آن، اتحاد و تشکل پیش شرط است.

به یمن وجود حزب کمونیست کارگری در صحنه اعتراضات کارگری / اجتماعی، میتوان امیدوار بود که سرانجامی برای پیروزی وجود دارد. اما برای رسیدن به آن باید کارگران و زنان و مردان آزاده دور حزب خود جمع شوند. اگر اتحاد و همبستگی خود را به تحزب و متشکل شدن تبدیل نکنیم، اگر تلاشهای مبارزاتی خود را متشکل و فشرده تر نکنیم، دستاوردهای اینجا و آنجا را هم از دست خواهیم داد.

زنده باد اتحاد مبارزاتی ما علیه جمهوری اسلامی

۱۵ اکتبر ۲۰۰۶

اخباری از سنج، کرمانشاه، اسلام آباد**محکومیت پنج نفر توسط دادگاه انقلاب اسلامی**

شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی شهر سنج پنج شهروند سنندجی به نام های آکو حبیبی فرزند توفیق، صدیق فتحی فرزند محمود، محمد قادری فرزند علی، مسعود عرب زاده فرزند شمیم و وهاب محمد رضایی فرزند اسماعیل را، هر یک به دو سال حبس تعزیری محکوم کرد. لازم به ذکر است که این حکم به استناد ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی و به اتهام اقدام علیه امنیت ملی، از طریق شرکت در ناآرامیهای تابستان سال گذشته سنندج صادر شده است.

* * * * *

اطلاعیه

تهدیدات و ادامه تعقیب و ایجاد فضای رعب و وحشت بر فعالین کارگری ایران برای به عقب راندن

طبقه کارگر از پیگیری مطالبات خود، گاهی تند و گاهی با درجه ای ملایمت همچنان ادامه دارد. محمود صالحی و جلال حسینی برای چندمین بار است که از سوی دادگاه انقلاب به جرم شرکت در برگزاری مراسم روز اول ماه مه احضار و محاکمه میشوند. ما کارگران حق خود می دانیم بدون هیچ گونه کسب مجوزی مراسم روز جهانی خود را در هر جا که بخواهیم آزادانه برگزار کنیم. بر اساس همین حق انسانی ادامه محاکمه و تعقیب فعالین کارگری از جمله محمود صالحی و جلال حسینی را محکوم و خواهان رفع اتهام از آنها می باشیم.

**انجمن صنفی کارگران
برق و فلز کار کرمانشاه
۲۲/۷/۱۳۸۵**

**برگرفته از سایت شورا
www.shora-b.com**

چهار نفر از کارگران کارخانه قند اسلام آباد غرب در میان قند مذاب جان باخته و ۱۵ نفر مجروح شدند

آنان با خیالی راحت مانند همیشه فرزندان خود را بر بستر خواب نظاره کرده و صبح اول وقت بر سر کارشان حاضر شده بودند، آنان متوجه حادثه مرگباری که بر بالای سرشان در حال وقوع بود، نبودند، متوجه هیچ چیز دیگری هم نبودند، الا کار و کار و فکر همسر و فرزندان که چشمانشان هر روز موقع وارد شدن به خانه به دست آنان بود.

آنان خبر نداشتند که غروب چشمان آرزومند همسر و فرزندان شان دیگر دستهای همیشه خالی و تن رنجور آنان را برای همیشه نخواهند دید، نه تنها نخواهند دید بلکه باید جنازه جزغاله شده ی تنها نان آوران شان را تحویل بگیرند.

ساعت هفت صبح را نشان میداد که به یکباره قالب دورانی حامل قند مذاب از مدارش خارج شد و با خرد کردن قطعات اطراف خود بر سر کارگران فرود آمد.

طبق گزارشهای رسیده این اتفاق غم انگیز ساعت هفت صبح روز یکشنبه مورخه ۲۳ / ۷ / ۱۳۸۵ رخ داد.

بر اثر این حادثه چهار نفر از کارگران با فرو ریختن آواری از قند مذاب بر سرشان، جان باخته و ۱۵ نفر دیگر مجروح شدند. طبق گزارشها حال دو نفر از زخمی شدگان این حادثه وخیم است.

سایت شورا ۲۵/۷/۱۳۸۵
www.shora-b.com

توسط ماموران حفاظت اطلاعات، منزل یکی از کارگران شرکت پوریس سنندج بازرسی شد

سنندج- خبرگزاری کار ایران

منزل یکی از کارگران شرکت ریسندگی " پوریس " سنندج توسط نیروهای حفاظت اطلاعات مورد بازرسی قرار گرفت. به گزارش اینناز مرکز سنندج، منزل " شریف ساندپناه " که در شهریور ماه سال جاری همراه با جمعی از کارگران شرکت پوریس مقابل اداره کار و امور اجتماعی استان کردستان تحصن کرده بود، منزلش در ۲۵ مهر توسط نیروهای حفاظت اطلاعات مورد بازرسی قرار گرفت.

در پی بازرسی از منزل نامبرده کیس کامپیوتر و دست نوشته های وی در خصوص شرکت پوریس همراه با یک دستگاه ماهواره ضبط شده و به او اخطار داده شد که به اداره حفاظت اطلاعات مراجعه کند. این کارگر صبح امروز به حفاظت اطلاعات سنندج مراجعه و سپس به دادگستری سنندج اعزام شد.

* * * * *

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!